

# یکصد خاندان حکومتگر ایران

خاندان آشتیانی

۴

ترور آشتیانی

از میرزا مصطفی آشتیانی بیش از این سستی در کار مشروطیت دیده نشد بنابراین گذشت زمان این نقطه ضعف را از دیدگان دور داشت، در سال ۱۲۸۸ میانه آزادی و خود کامی بوخامت گرائید محمدعلیشاه با کودتا دست بنا بودی مشروطیت زد، در چنین روزهای پرخطر در گریار میرزا مصطفی بدفاع از آزادی پرداخت با گروهی از روحانیون در شاه عبدالعظیم به بست نشست، استبداد خون آشام برای نابودی او و دیگران بدسیسه پرد؛ نت (مفاخر الملک رئیس تجارت که دستیار حکمران تهران نیز می بود شب چهارشنبه چهارم فروردین صنیع حضرت راباکسانی از لوتیان تهران فرستاد که ناگهان سرش ریخته میرزا مصطفی را با سه تن دیگر کشتار کردند (۱) عباسقلی آدمیت در یادداشتهای خود ترتیب این ترور را چنین نوشته است: (ناگهان در شب چهارم حمل ۱۳۲۷ عده ای مسلح با چهره مستور به خانه میرزا مصطفی آشتیانی ملقب به افتخار العلماریختند و آن بیچاره را با سه نفر دیگر شهید ساختند. میرزا مصطفی بضر نه گلوله، شیخ غلامحسین پیشنماز با پنج گلوله، میرزا عبدالرشید دبیر همایون برادر عیال میرزا مصطفی با شش گلوله، و میرزا اسماعیل با چهار گلوله کشته شدند، نعش شهدای حقوق طلب تا دو روز بعد در ایوان امامزاده حمزه مورد نظاره زائرین بود در همانجا مدفون و قرین رحمت گردیدند (۲)

۱- تاریخ مشروطه ۹۰۱

۲- فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت ۳۳۲

اعتماد السلطنه برای آیةالله آشتیانی پسری بنام افتخارالعلماء می‌شناسند و از زشتی اخلاق او زیاد تعریف میکنند که از لحاظ پژوهش بیطرفانه عین آن در اینجا آورده می‌شود. وزیر انطباعات ناصری در وقایع روز سه‌شنبه ۸ ذی‌حجه ۱۳۱۱ می‌نویسد (امروز که بندگان همایون بعد از بازدید عشرت‌آباد مراجعت می‌فرمودند جمعی از زن و مرد در سر راه آمده عرض کردند سه روز قبل افتخارالعلماء پسر میرزا حسن آشتیانی با اعتماد لشکر بهجت‌آباد رفته بودند عرق زیادی صرف نموده بودند و هنوز معلوم نیست بچه جهت افتخارالعلماء با طیانچه کالسکه‌چی اعتماد لشکر اراکشته بعضی‌های می‌گویند خوشگل بوده خواسته با اولوات کند کشته بعضی می‌گویند آخوند مست بوده مبادرت به تیراندازی کرده قتل بخطائی از او سرزده بعد از قتل این بیچاره آخوند به گبرهای بهجت‌آباد پول میدهد شکم مقتول را؛ ه کنند در یک گوشه دفنش می‌کنند و خودشان بشهر می‌آیند. ورثه مقتول دوسه روز می‌بینند قوم و خویشان نیامده است تحقیق می‌کنند پی می‌برند که مقتول و مدفون است نعش را از زیر خاک بیرون می‌آورند در سر راه شاه عرض می‌کنند حکم بحبس اعتماد لشکر می‌شود پانصد تومان از او گرفته به ورثه مقتول دادند حالا شاه ادعای پنجهزار تومان از برای خودش می‌کند اما افتخارالعلماء از ترس میرزا حسن ابدا تنبیه نکردند (افتخارالعلماء پسر این شخص است (۱)).

### آشتیانی، هاشم

هاشم آشتیانی فرزند دیگر آیةالله میرزا حسن آشتیانی است که از کوشندگان انقلاب مشروطیت ایران می‌بود و در ادوار ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ قانونگذاری بنماینده‌گی مجلس تعیین شد ابتدا جزء دسته اصلاح طلبان مجلس می‌بود که ملک‌الشعراء بهار از این گروه بنیکی یاد کرده است. بعد از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ میرزا هاشم آشتیانی در استوار ساختن نظام نوین فعالانه میکوشد، ولی در انتخابات دوره چهارم بین او و گروه مخالف و مقتدر آنروز ایران درگیری روی میدهد، او بناچار خود را بسوی اقلیت مجلس که در رأس آن مدرس می‌بود می‌کشد و وقتی اعتبارنامه آشتیانی در مجلس طرح می‌شود (مدرس در برابر تدین از اعتبارنامه آشتیانی دفاع می‌کند) و چون رنود می‌بینند حریف میدان مبارزه این قهرمان ضد الیگارش می‌شوند، برای دفاع از یک الیگارک به مقام مدرس توهین می‌شود (دکتراحیاة السلطنه بهرامی ... بمدرس نزدیک شده کشیده‌ای بگوش سید بزرگوار می‌زند) بر اثر هیجان ناشی از این توهین اعتبارنامه آشتیانی تصویب می‌شود، آشتیانی سپس تسلیم اکثریت می‌گردد و بدینجهت پنج دوره دیگر مجلس به وکالت مردم تعیین

می‌شود، مدرس وجه‌المصالحه قرار می‌گیرد.

میرزا هاشم در ۹۲ سالگی و بسال ۱۳۳۹ بدرود زندگی می‌گوید.

### آشتیانی، ابراهیم

ابراهیم آشتیانی زاده فرزند میرزاهاشم آشتیانی نواده آیه‌الله میرزا حسن آشتیانی که از رجال مورد اعتماد رضاشاه می‌بود در دربار پهلوی خدمت میکرد، ولی بعلت ارتباط و همکاری با مدرس از کار برکنار گردید. مدتی نیز بازداشت شد، سپس به امور غیرسیاسی و بازرگانی پرداخت.

پس از دوره بیست‌ساله دوباره فعالانه به سیاست بازگشت، جمعیت رفیقان و روزنامه بهار را تشکیل داد.

در دوره ۱۴ بنمایندگی مجلس برگزیده شد از افراد میرز پارلمان و از افراد مؤثر اقلیت و مخالف دولت بشمار میرفت از سال ۱۳۳۲ دگر بار از سیاست بدور افتاد کتاب رجال بدون ماسک می‌نویسد: (وی گنجشک سیاست است امروز روی این شاخ فردا روی آتشاخ است ۱)

### دکتر آشتیانی، جواد

دیگر فرزند برجسته میرزاهاشم، دکتر جواد آشتیانی است که در ۲۵ مهر ۱۲۷۵ (۱۸۹۸ م) پابجهان میگذارد تحصیلات عالی خود را در دانشکده پزشکی پاریس پایان میرساند در دوران تحصیلی گزارشگر فعالیتهای سیاسی دانشجویان ایرانی می‌شود اینچنین پایه‌های ترقی در دستگاه دولتی می‌پیماید؛ نماینده صحن دولت شاهنشاهی در اروپا، بازرس کل محصلین اعزامی به اروپا، ریاست تعلیمات عالی وزارت فرهنگ، استاد دانشکده پزشکی (۱۳۱۳) استاد داروسازی و دندانپزشکی، عضو شورای عالی فرهنگ و عضو شورای دانشگاه تهران، بازرس کل بیمارستانهای پایتخت، استاد بهداشت دانشکده پزشکی، رئیس بهداری بانک ملی، رئیس دانشکده پزشکی (دوبار) عضو شورای علمی بنگاه پاستور، نماینده مجلس در دوره ۱۵، مدیرعامل سازمان اجتماعی شاهنشاهی از ۱۳۲۷ وزیر بهداری در کابینه مهندس شریف‌امامی (۱۳۳۹)

دکتر جواد آشتیانی از کسانیست از ابتدای احراز مشاغل مهم عالی‌هیچگاه بی‌شغل نمانده و همواره دارای چند شغل در یک زمان بوده است از دوره ۴ سناتور میباشد.

بدریافت نشانهای تاج درجه ۱ و ۲ و ۳، از ایران و نشان لژیون دونور از فرانسه نایل آمده است (۱)

فرزند دیگر هاشم آشتیانی، برادر دکتر جواد آشتیانی دکتر عماد آشتیانی از بازرگانان و مقاطعه کاران معروف، برادر دیگرش حسین آشتیانی مدیرکل سابق وزارت بهداشتی، نورالدین آشتیانی رئیس آژانس آشنا، از مدیرکلهای پیشین وزارت کار.

### آشتیانی، فضل‌الله

از قضات برجسته دادگستری که مدت طولانی ریاست دادگاههای بدایت و استیناف استانهای ایران را به عهده داشت سپس بمقام عضویت و مستشاری دیوان عالی کشور نایل میگردد. فضل‌الله آشتیانی از قضات خوشنام و موجه دادگستری بود.

### دکتر آشتیانی، رکن‌الدین

فرزند ابراهیم آشتیانی متولد (۱۹۱۴ م. ۰) از صاحبمنصبان برجسته وزارت امور خارجه تحصیلکرده دانشگاه تهران که ابتدا کارمند وزارت دارائی بود سپس با استخدام وزارت خارجه در می‌آید اندکی بعد دبیر سفارت ایران در اسرائیل، برن، پاریس، منشی وزارت خارجه، رئیس اداره اطلاعات، کنسول ایران در هامبورگ، رایزن سفارت ایران در لاهه، کاردار سفارت پرتغال، رئیس اداره اقتصاد وزارت خارجه، نماینده ایران در کنفرانس بین‌المللی کار در ژنو، عضو شورای اداری کنفرانس حقوق بشر، کاردار ایس—ران در پراگ، عضومهم شورای اداری، وزیر مختار ایران در الجزایر، وزیر مختار ایران در اردن، وزیر مختار ایران در مراکش، نماینده دولت در رم و پاریس بمنظور عقد قرارداد تجارتي، وزیر مختار ایران در تایلند و از سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰ خ) وزیر مختار ایران در لبنان است.

### پیوندهای سیاسی

این خاندان با خاندانهای بزرگ طباطبائی، سجادی، امام جمعه، خواجه‌نوری، دولتشاهی، وثوق، قاجار، امینی، اعلم، قراگوزلو، محسنی، نفیسی، امیر سلیمانی، امامی خوئی، عضدی، دفتری... اینچنین خویشاوندی دارد:

بقیه در صفحه ۲۸

پیش اقبال این چراغ راه عشق  
 درد بود و سوز بود و آه بود  
 دردهای مردمان را چاره کرد  
 سوی باغ آرزو دروازه یافت  
 سرکشید از دیر در کنج حرم  
 در خطرهای آرزو را برگزید  
 هر کجا با خلق او همراه گشت  
 دست گشت و دامن ظالم درید  
 آنقدر شد نشئه تا هشیار شد  
 تا که ساز و محوزان میناشرنگ  
 کرد ذلت از رخ ایشان زدود  
 همزحوق گفت و هم از مردان حق  
 صد سلام بر روان پاک او  
 تحفه‌یی از سوز و ساز آورده‌ام  
 خون دل بد، شعر شد، سوبش دوید

آدم اینک به پیش شاه عشق  
 آنکه از " رمز خودی " آگاه بود  
 آنکه زنجیر غلامی پاره کرد  
 از کلام الله کلید تازه یافت  
 گشت فارغ از گزند بیش و کم  
 رهبر خود جستجو را برگزید  
 از رموز سر حق آگاه گشت  
 نالهٔ مظلوم در شعرش دوید  
 از شراب زنده‌گی سرشار شد  
 سنگ ز و چندان به مینای فرنگ  
 مردمان هند را بینش فزود  
 برگرفت از حکمت قرآن سبق  
 باشد از افلاک برتر خاک او  
 من به درگاهش نیاز آورده‌ام  
 قطره‌یی چند از دو چشم من چکید

تا شود گلدسته بر سنگ مزار  
 تا ابد ماند در آنجا یادگار

#### بقیه از صفحه ۲۵

آیه‌الله شیخ مرتضی آشتیانی داماد آیه‌الله محمد طباطبائی بیضوی مشروطیت .  
 میرزایحیی بیسنماز پدر دکتر سجادی داماد آیه‌الله آشتیانی .  
 میرزا احمد آشتیانی شوهر شوکت الدوله عمه دکتر خواجه نوری .  
 سید حسین طباطبائی دولتشاهی داماد میرزا احمد آشتیانی .  
 دکتر جواد آشتیانی داماد وثوق الدوله باجناب دکتر علی امینی ، دکتر امیراعلم ،  
 سردار اکرم قراگوزلو ، نظام الدین امامی خوئی ، یدالله عضدی ، میرزاهاشم آشتیانی  
 هستند .

آیه‌الله زاده اصفهانی داماد میرزا احمد آشتیانی .  
 شهمنش نوه حاج آقا محسن عراقی داماد ابراهیم آشتیانی .  
 ناظم الاطباء ، نظام الدوله خواجه نوری ، مؤدب الدوله نفیسی دامادهای میرزا احمد آشتیانی .  
 میرزا هاشم آشتیانی شوهر خواهر عضدالملک (امیر سلیمانی) .  
 فضل‌الله آشتیانی داماد موق السلطنه دفتری .